

رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی به حمایت از کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۹

هادی کرامتی‌معز^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۸

سید محمود میرخلیلی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: استفاده کودکان از شبکه‌های اجتماعی به دلیل فقدان سواد سایبری و ویژگی‌های خاص روحی منجر به تضییع حقوقشان خواهد شد. از این رو، در سیاست جنایی تقنینی نسبت به کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی نیازمند رعایت بایسته‌هایی است که در قالب حق‌ها و حمایت‌های افتراقی از بزه‌دیدی آنها شناخته می‌شود.

روش: پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، تحلیلی-توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات در آن از طریق بررسی اسنادی و فیش‌برداری بوده است.

یافته‌ها: حمایت‌های افتراقی که در سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی در این زمینه شناخته شده است می‌توان موارد زیر را نام برد: حمایت کیفری ماهوی و شکلی (نقش حمایتی سمن‌ها در حوزه بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی، رسیدگی در نهادهای تخصصی قضایی در حوزه فضای مجازی، هرزه‌نگاری سایبری کودکان مصداقی از صلاحیت جهانی و نقش پلیس فتا)، حمایت اجتماعی و حمایت بالینی.

نتیجه‌گیری: با مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی، این نتیجه حاصل می‌شود که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال حمایت از کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی افتراقی نبوده و یکسری حمایت‌های عام بدون در نظر گرفتن شرایط خاص این نوع بزه‌دیدگی در نظر گرفته شده است که با رویکردهای خاص اسناد بین‌المللی در این زمینه فاصله دارد. **کلیدواژه‌ها:** بزه‌دیده شناسی حمایتی، پلیس فتا، شبکه‌های اجتماعی، بزه‌دیدگی آنلاین.

۱. پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)،

keramatihadi@gmail.com

۲. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

امروزه، دانش آموزان با اینترنت بزرگ شده‌اند و به نوبه خود، به شدت با فرصت‌های متعدد استفاده برخط از این ابزار، آشنا هستند. دانش آموزان دختر و پسر با استفاده از روش‌های مختلف مربوط به ارتباط رایانه‌ای مانند ایمیل، چت، پیامک و شبکه‌های اجتماعی، درگیر جریان جامعه‌پذیری برخط و آنلاین هستند. به علاوه، کودکان و نوجوانان، نه تنها با استفاده از اینترنت در جریان جامعه‌پذیری قرار دارند، بلکه زمان زیادتری را به کار ارتباطات اینترنتی اختصاص می‌دهند. استفاده از وسایل ارتباط رایانه‌ای، قادر به ایجاد تعاملاتی مثبت است و کاربران را در توسعه روابط مورد علاقه خویش توانا می‌سازد (کرامتی معز، میر خلیلی، عالی پور و شیدائیان، ۱۳۹۸: ۳-۴). با این اوصاف، توجه به کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای ابتکار عمل به منظور مراقبت از آن‌ها در فضای مجازی است. این موضوع ناشی از آن است که کودکان و نوجوانان، آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و فضای مجازی می‌تواند موقعیت‌های خطرناکی برای آن‌ها در برداشته باشد و منتج به قربانی شدن کودک در این محیط شود. ملاحظه مهم در سیاست حفاظت از «کودکان آنلاین» از انواع بزه‌دیدگی در سطح جامعه بین‌المللی نیز به اجماع قابل قبولی رسیده است. با این مقدمه، نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات هستند که کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی از چه حقوقی برخوردارند؟ و چه حمایت‌هایی در سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی از بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی شناخته شده است؟

حقوق کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی

در حقوق جنایی کودکان و نوجوانان یا دادگری (جنایی) نوجوانان^۱ که بر پایه معیار «سن» تعریف می‌شود، یکی از شاخه‌های «حقوق جنایی فنی یا خاص» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۷-۱۹) در پهنه علوم جنایی است که خاستگاه آن به آموزه‌ها و نظریه‌های اثبات

1. juvenile [criminal] justice.

باوران آغاز سده بیستم بازمی‌گردد^۱. در آن دوران، کودک و نوجوان به‌منزلهٔ یک انسان که دارای شخصیت، روان و جسم مستقل از بزرگسالان است، مورد توجه قرار گرفت. بازتاب این نگرش در علوم جنایی به این نتیجه انجامید که کودکان و نوجوانان در برابر بزهکاری آسیب‌پذیرتر و شایستهٔ توجه و حمایت بیشتر هستند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۸۵). با این اوصاف، کودک بزه‌دیده شایستهٔ بهره‌مندی از حق‌هایی در فرآیند دادگستری جنایی است تا در راستای احقاق حق جبران از گذر دسترسی به دادگستری، بهتر بتواند آثار بزه‌دیدگی خود را جبران و ترمیم کند. مهم‌ترین مصداق‌های حق‌های بزه‌دیدگی آنلاین کودکان را، به‌ویژه بر پایهٔ ملاک‌های اسناد بین‌المللی، می‌توان موارد زیر دانست.

۱- حق رعایت کرامت و حریم خصوصی^۲ کودکان در شبکه‌های اجتماعی: از جمله حقوقی که باید در مقابل کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی رعایت شود، حق رعایت کرامت و حریم خصوصی کودکان در شبکه‌های اجتماعی است که مادهٔ ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک نیز بدان پرداخته است، حفظ کرامت کودکان در فضای مجازی و عدم آسیب به کرامت کودکان از طریق شبکه‌های اجتماعی است. اقداماتی که مدتی است در فضای مجازی با انتشار تصاویر و ویدئوهای مربوط به کودکان که عمدتاً نیز توسط والدین آن‌ها رخ می‌دهد، مشکلاتی را به همراه داشته است. والدین کودکان با اهداف متفاوتی از ابراز احساسات نسبت به فرزندان خود و سعی در به اشتراک‌گذاری این احساس تا سوءاستفاده از کودکان خود برای افزایش تعداد دنبال‌کنندگان یا افزایش تعداد بازدید مطالب صفحاتشان یا حتی شرکت در مسابقاتی که گاه توسط کانال‌های مختلف برگزار می‌شود، به انتشار تصاویر

۱. استاد نجفی ابرندآبادی (استاد جرم‌شناسی دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی و پدر علوم جرم‌شناسی نوین ایران)، فراتر از این، علوم جنایی را بر پایهٔ معیار سن، به «علوم جنایی بزرگسالان» و «علوم جنایی خردسالان» (کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال) تقسیم کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۱۷).

۲. در حقوق ایران، تعریف مشخص قانونی از حریم خصوصی ارائه نشده است و حریم خصوصی مستقلاً حمایت نشده و به تعبیری موضع تحول‌گرایانه اتخاذ شده و از مصادیق آن حمایت شده است. در مقام تعریف، تعاریف متعددی ارائه شده که فارغ از اختلاف موجود در تعاریف «وجه مشترک تعاریف ارائه شده، اختیار و آزادی انسان در تصمیم‌گیری در خصوص میزان وقوف و مداخلهٔ دیگران نسبت به زندگی شخصی است» (اصلانی، ۱۳۸۹: ۴۰)؛ این وجه مشترک رکن اساسی حریم خصوصی است.

یا ویدئوهای کودکانشان می‌پردازند. به تشخیص کارشناسان، این اقدامات کودکان را در آینده در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که بدون اختیار آنها بوده است و می‌تواند منجر به اتفاقاتی شود که گاه کرامت افراد را خدشه‌دار کند. این اتفاق در اکثر موارد مصداق تعدی به حریم خصوصی ایشان^۱ و انتشار محتواهای مرتبط با حریم خصوصی کودکان است که ممکن است پس از رسیدن به سن قانونی از انتشار آن تصاویر راضی نباشند (غمامی و علی پور، ۱۳۹۸: ۲۲۵-۲۲۶). بنابراین، حق بر رعایت کرامت کودکان بزه‌دیده^۲ و حق بر حریم خصوصی آنها را می‌توان از مهم‌ترین حقوقی دانست که نسبت به کودکان در معرض آسیب قرار گرفته‌اند و حفاظت از این موارد در آینده و تربیت کودکان نقش بسزایی دارد.

کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان تنها سند بین‌المللی الزام‌آور در زمینه حقوق کودک در ماده ۱، در حالی که افراد انسانی زیر ۱۸ سال را کودک دانسته، این فرض را پذیرفته است که ممکن است در حقوق داخلی سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. این حقوق برای تمام کودکانی که در قلمرو دولت متعاهد زندگی می‌کنند بدون هیچ‌گونه تبعیضی از جهت نژاد،

۱. احترام به حریم خصوصی ارتباطات اشخاص در تمامی زمینه‌ها از جمله ارتباطات در حوزه الکترونیک ایجاب می‌کند که قانون‌گذار کمیت و کیفیت مداخلات دولت در این حوزه را در کنار جرم‌انگاری رفتارهای هتاکانه به نحو دقیق تبیین کنند. اما به‌رغم ضرورت‌های شرعی و قانونی و اجتماعی، ملاحظه‌رویکرد سیاست جنایی اتخاذی قانون‌گذار ایران بیانگر عدم توجه شایسته و بایسته در این حوزه است و مقایسه سیاست جنایی ایران با نظام حقوقی انگلستان که سعی در هم‌نویسی با آخرین پیشرفت‌های بین‌المللی دارد، بیانگر آن است که قانون این کشور در صیانت از حریم خصوصی ارتباطات اشخاص از حیث توجه به جزییات و تبیین مقررات رهگیری ارتباطات، قانونی پویاتر است؛ زیرا برخلاف قانون‌گذار ایران به ذکر عبارات کلی بسنده نکرده است. به هر روی، نظر به گسترش روزافزون ارتباطات الکترونیکی و نیز ضرورت صیانت از حریم خصوصی اشخاص، ناکارآمدی مقررات قانونی کنونی، انکارناپذیر است (شکری، ۱۳۹۸: ۳۲).

۲. اصل حقوق بشری احترام به کرامت انسانی، به قاعده مهم «منع تبعیض» می‌انجامد که به بزه‌دیدگان نیز تسری می‌یابد. «منع تبعیض بر بزه‌دیدگان» ایجاب می‌کند که هرگاه بزه‌دیده به دلیلی مانند نژاد، سن، جنس، ناتوانی بدنی یا روانی، وضعیت جنسی و مانند این‌ها در آستانه آسیب و زیان باشد، رعایت احترام و توجه ویژه به او اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر این پایه، رفتار همه کسانی که بزه‌دیده‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباطاند (اعم از افراد، نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی)، باید محترمانه، دلسوزانه، بی‌طرفانه و همراه با همدردی و رازداری باشد. رعایت نکردن کرامت انسانی بزه‌دیده یا رفتار نادادگانه با او، یکی از شاخص‌های «قربانیت دومین» است که خود می‌تواند به تکرار بزه‌دیدگی بینجامد (رایجیان ۱۳۹۸: ۶۰). به عبارت بهتر، سرنوشت‌سازترین مرحله فرآیند قضایی برای بزه‌دیده، مرحله دادرسی است که در این مرحله نسبت به آسیب‌های وارده به بزه‌دیده تصمیم‌گیری می‌شود. هم فرآیند و نحوه دادرسی و هم تصمیمات اتخاذشده توسط دادگاه برای بزه‌دیده اهمیت دارد. در فرآیند دادرسی که یادآور تجربه تلخ بزه‌دیدگی برای بزه‌دیده است، نحوه رفتار دادگاه باید همراه با احترام، ملاحظت و مهربانی باشد (شیری، ۱۳۹۵: ۴۴۰).

رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا ملیت، لازم‌الاحترام خواهد بود. از طرف دیگر، از خردسالان در مقابل تمام اشکال بزه‌دیدگی و صدمات جسمی و روحی ناشی از سهل‌انگاری با برخورد نادرست، خصوصاً در مورد سوءاستفاده‌های جنسی و مصرف مواد مخدر، باید دفاع کرد. اهمیت حمایت از کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی تا به آنجا پیش رفت که یونیسف در راهبرد خود در زمینه حمایت از کودک، نقش این گونه شبکه‌ها را مطمح‌نظر قرار داد. یونیسف در ارزیابی خود جهت حمایت از کودک مقرر می‌دارد: «حمایت ارزیابی شبکه‌های اجتماعی حمایت از کودک که بر حقوق کودک نظارت کند و تغییر رفتاری را ترویج کند و خدمات حمایتی ارائه کند و از قربانیان خشونت و رویه‌های مضر حمایت به عمل آورد».

همچنین، دولت‌ها در زمینه حمایت از کودکان در شبکه‌های اجتماعی دست بکار شده‌اند، می‌توان به‌عنوان مثال به اقدامات دولت انگلستان اشاره کرد. این دولت، برنامه‌های آموزشی را در مورد شبکه‌های اجتماعی برای کودکان این کشور به اجرا گذاشته و در کلاس‌ها، خطرات به اشتراک‌گذاری اطلاعات خصوصی در شبکه‌های اجتماعی به آن‌ها آموزش داده می‌شود (بهرامی فریادرس، ۱۳۹۲: ۹۵). این کلاس‌ها بخشی از برنامه‌های گسترده‌تر برای آموزش اصول ایمنی به کودکان در راستای حفظ کرامت و رعایت حریم خصوصی آن‌ها است.

با این اوصاف امروز عمده‌ترین خطرات پیش روی کودکان آنلاین خطرات ناشی از استفاده نامناسب از فناوری، فقدان حریم خصوصی، اشتراک‌گذاری بیش از حد اطلاعات یا پست کردن اطلاعات غلط در مورد خود هستند (تارتاری^۱، ۲۰۱۵: ۳۲۷). این نوع رفتارها، حریم خصوصی آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. وقتی کودکان، وبسایت‌های متنوعی را بازدید می‌کنند، آن‌ها آثار و شواهدی از خود در سایت‌هایی که بازدید کرده‌اند به جای می‌گذارند. این مجموعه، به‌طور مداوم فعالیت در وبسایت را ثبت می‌کند، ردپای دیجیتالی تلقی می‌شود؛ یکی از بزرگ‌ترین مسائلی که کودکان را دچار بزه‌دیدگی آنلاین می‌کند، کودکانی هستند که فاقد آگاهی از مسائل مربوط به حریم خصوصی‌اند و اغلب پیام‌ها، عکس‌ها و فیلم‌های نامناسبی را از خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند و به اصطلاح از خود ردپای دیجیتالی می‌گذارند و این بهترین فرصت برای شکارچیان مجازی است.

1. Tartari

۲- حق رعایت اخلاق سایبری کودکان نسبت به کاربران شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی برای گروه عظیم افرادی که گفتنی‌های بسیاری دارند و در دنیای حقیقی مجالی برای بیان آن پیدا نمی‌کنند، بهترین گزینه به شمار می‌رود. امکان نشر آزادانه اطلاعات در عرصه‌های گوناگون، از مهم‌ترین ویژگی‌های این فضا است که بر محور اصل آزادی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، سبب رشد و محبوبیت روزافزونش شده است^۱. اما مانند هر پدیده دیگری در کنار کارکردهای مثبت فراوانی که در زمینه‌های مختلف آن ذکر می‌شود، امکان بروز مشکلات و آسیب‌های گسترده به واسطه فعالیت‌های گاه نابهنجار در این فضاها نیز وجود دارد. همان‌گونه که بیان شد، از یک سو فلسفه وجودی شبکه‌های اجتماعی بر محور اصل آزادی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و از طرفی، نبود محدودیت‌های رسانه‌ای ناظر به این فضا و نبود ضوابط قانونی، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۳۱۷). واژه «اخلاق رایانه‌ای»^۲ یا «اخلاق اطلاعات»^۳، «اخلاق سایبر»^۴، «اخلاق رسانه»^۵ و «اخلاق اینترنت»^۶ از جمله واژگانی است که به بحث ما مربوط است و هر کدام معیاری برای استفاده از فضای سایبر به مفهوم عام آن است. هدف از اخلاق سایبر، این است که به سؤالاتی پاسخ دهد که مربوط به بنیان‌های ارزشی افعال و مسئولیت‌های افراد در حوزه رایانه‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات است (شهریاری، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۹).

اخلاق سایبری، از مباحثی است که در اخلاق کاربردی مطرح می‌شود. اخلاق کاربردی از زیرشاخه‌ها یا پیوست‌های فلسفه اخلاق است که به مباحثی می‌پردازد که به ارزش‌های عملی رفتار انسان‌ها در حوزه‌هایی خاص مربوط می‌شود. این رشته می‌کوشد به پرسش‌هایی پاسخ گوید که مرتبط با بنیان‌های ارزشی رفتارها و مسئولیت‌های افراد در حوزه فناوری اطلاعات

۱. ماده (۶) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷، دسترسی به اطلاعات شخصی افراد را تنها از طریق اشخاص حقیقی صاحب اطلاعات یا نمایندگان آن‌ها مجاز می‌داند. لذا انتشار اطلاعات شخصی کودکان توسط والدین آن‌ها، در صورتی که امکان آسیب رسیدن به کودک در آن زمان یا در آینده را به همراه داشته باشد، خلاف این قانون است.

2. Computer Ethics

3. Information Ethics

4. Cyber Ethics

5. Media Ethics

6. Internet Ethics

است. به عبارتی، اخلاق سایبری شامل ماهیت و بن‌مایه‌های قضاوت اخلاقی، استانداردهای قواعد رفتاری در استفاده از فناوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری است (پورقهرمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۳). همان‌طور که اخلاق در جهان واقعی دارای بار ارزشی است، اخلاق جهان مجازی نیز به تبع آن، این ویژگی را خواهد داشت؛ یعنی قواعد و اصول اخلاقی باید توسط کاربران و کارگزاران در فضای مجازی با توجه به منافع، فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات مورد پذیرش جمع در جامعه وضع شود. بدین ترتیب، اخلاق فردی تابع جامعه خواهد بود تا تناقضی ایجاد نشود. در این راستا، اخلاق حرفه‌ای مربوط به دنیای مجازی نیز باید طوری باشد که هم اخلاق فردی را و هم فرهنگ کلی جامعه را مورد توجه قرار بدهد.

از آنجا که امروزه عجین شدن شبکه‌های اجتماعی مجازی با فضای حقیقی زندگی افراد، امری بدیهی به نظر می‌رسد، رعایت تکالیف اخلاقی با یک جهان‌بینی الهی و روی آوردن به تفکر معنوی و آموزش و خودآگاهی در بین همه افراد جامعه به خصوص کودکان و نوجوان، تنها ضامن محافظت در برابر آسیب‌های روحی و روانی حاصل از این فضای مجازی به شمار می‌آید. با یک نگاه واقع‌گرایانه به بحث این نتیجه حاصل می‌شود که هدف از معیارهای اخلاقی، اصول اخلاقی و اجرای آن و همچنین رعایت موازین اخلاقی در پرتوی دین است که سبب اعتمادسازی و انجام بهتر فعالیت‌های حرفه‌ای میان شهروندان و کاربران از یک سو و حس مسئولیت‌پذیری کارگزاران از سوی دیگر می‌شود و این مبنای درست تعامل بین اخلاق و شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

کاربران فضای مجازی در عصر فناوری اطلاعات با چالش‌های اخلاقی بیشتری مواجه‌اند؛ زیرا در دنیای فناوری اطلاعات، استفاده از فناوری اطلاعات برای چیزی که غیرقانونی نیست، بر اخلاقی بودن آن دلالت نمی‌کند. در واقع، در چنین دنیای فناورانه‌ای، قانونی بودن استفاده از تسهیلات و ابزارها و امکانات فناورانه، به‌طور حتم، اخلاقی بودن آن را تضمین نمی‌کند (رحیمی و اسفندیاری مقدم، ۱۳۹۰: ۴۴۹). از این رو، از جمله حقوق کودک در راستای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، رعایت اصول اخلاق سایبری است.

در کنوانسیون حقوق کودک، بیش‌ترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است، چنان که در ماده ۱۸ کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند:

«بیش‌ترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آن‌ها، (حفظ) منافع عالیۀ کودک است».

از آنجا که کودکان به سبب نیاز به آموزش‌های لازم جهت حضور در جامعه، بایستی آمادگی اولیه کسب کنند و وظیفۀ ایجاد این آمادگی اولاً بر عهده والدین ایشان است، لذا هر عاملی که سبب عدم رشد مناسب و تربیت صحیح کودکان جهت آمادگی برای ایفای نقش مفید در جامعه شود، بایستی تا رسیدن ایشان به مرحله‌ای که توان تشخیص و عمل صحیح را داشته باشند، از ایشان دور باشد (غمامی و علی پور، ۱۳۹۸: ۲۲۲-۲۲۳). لذا همان‌گونه که بیان شد، یکی از مهم‌ترین حقوق کودکان در شبکه‌های اجتماعی، حق رعایت اخلاق سایبری کودکان نسبت به کاربران شبکه‌های اجتماعی است^۱.

۳- حق بر اطلاع‌رسانی کودک^۲ از حقوق خود در شبکه‌های اجتماعی: کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌محض اولین تماس با پلیس فتا، باید اطلاعات شفاهی و کتبی را در مورد حقوق خود و خدمات در دسترس دریافت کنند. مراکز پلیس فتا باید وی را نسبت به تمامی حقوقشان از بدو ورود به فرآیند کیفری آگاه سازند و این آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی از اهم وظایف پلیس فتا در مواجهه با کودک بزه‌دیده محسوب می‌شود. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی را بایستی تعلیم و آموزش لازم به کودک و خانواده یا همراهانش از حقوق خود در فرآیند کیفری و روند احتمالی و نتایج پرونده دانست که بعد از تجربه بزه‌دیدگی برای رویارویی مناسب با پیامدهای طولانی‌مدت جرم و عواقب مشارکت و حضور

۱. با توجه به گستردگی و آزادی کاربران شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک‌گذاری انواع محتواها به‌ویژه در پلتفرم‌ها، بخش قابل‌توجهی از محتواهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی را محتواهای مستهجن و خلاف اخلاق سایبر دربرمی‌گیرند. مسئله انتشار محتواهای نامناسب و مستهجن در رسانه‌ها از موضوعات موردبحث در قوانین کشورهای مختلف است تا آنجا که اعلامیۀ جهانی حقوق بشر، پس از تبیین حقوق بنیادین، در ماده ۲۹ خود همه آن‌ها را چنین محدود ساخته است: «... هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به‌وسیله قانون منحصرأ به‌منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاق سایبری و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است».

2. The Right to Information

در فرآیند کیفی معنا کرد که این حق کودک بزه‌دیده در قوانین و اسناد متعدد بین‌المللی نیز ذکر شده است.^۱ با این اوصاف، آگاه‌سازی یا اطلاع‌رسانی یکی از آشکارترین حقوق بزه‌دیده و یکی از مهم‌ترین راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای وی است که در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در خصوص حق اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان از حقوق خود مقررهای پیش‌بینی نشده بود (هدایت، ۱۳۹۵: ۸۰).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جهت و رفع این نقیصه، گام مثبتی برداشته شده و در ماده ۶ به لزوم آگاه‌سازی بزه‌دیده و شاهد نسبت به حقوق خود در فرآیند دادرسی و فراهم‌سازی سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق تصریح شده است. ماده مذکور سابقه تقنینی ندارد و متأثر از اصول پایه و تحولات بزه‌دیده‌شناسی وضع شده است ولی در خصوص این امر که آگاه‌سازی توسط چه نهادی و به چه صورت باید انجام گیرد، صحبتی به میان نیامده و قوانین و مقررات، جسته‌وگریخته نکاتی را آورده‌اند که کامل نیست و هنوز نظام جامع اطلاع‌رسانی در این زمینه وجود ندارد.

حمایت از کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی

در اندیشه‌های جدید علوم جنایی، جایگاه بزه‌دیده دارای دو رویکرد بزه‌دیده‌شناسی علمی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی واقع شده است. در دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی علمی، نقش بزه‌دیده در فرآیند تکوین و شکل‌گیری جرم، به عنوان یکی از علل وقوع جرم مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد و موضوع این شاخه از بزه‌دیده‌شناسی، بررسی نقش بزه‌دیده و سببیت وی در وقوع جرم است. در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، شخصیت بزه‌دیده به عنوان یک انسان، نه از بعد دخالت وی در وقوع جرم، بلکه با رویکرد حمایت از او به عنوان قربانی مستقیم مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱. ماده ۱۹ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه‌دیده و شهود مصوب ۲۰۰۶ مقرر می‌کند که: «اطفال بزه‌دیده و شهود، خانواده‌هایشان و نمایندگان حقوقی‌شان حق دارند تا در نخستین برخوردشان با فرآیند عدالت و در طی این فرآیند، بی‌درنگ از موارد زیر آگاه شوند...» همچنین بند ۱ ماده ۹۱ قانون نمونه محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ که بر این حق کودک پیش از شرکت در هرگونه اقدام قضایی تأکید می‌کند و بیان می‌دارد: «کودک می‌بایست پیش از شرکت در هرگونه اقدام قضایی که بر حقوق و منافع کودک تأثیر می‌گذارد، به عنوان طرف پرونده، متهم، قربانی یا شاهد، تمام اطلاعات لازم برای اتخاذ یک تصمیم مطمئن و آگاهانه درباره نوع مشارکت در اقدامات و عواقب احتمالی آن‌ها را دریافت کند. اطلاعات باید متناسب با سن، سطح پختگی و ظرفیت کودک به شیوه‌های مناسب برای او ارائه شود.»

حمایت از بزه‌دیدگان، یکی از شاخه‌های مطالعات سیاست جنایی^۱ است (توجهی، ۱۳۹۱: ۶۱۵) که به آن سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار گفته می‌شود. سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار^۲ در وهلهٔ نخست، در گرو شناسایی بزه‌دیده و سپس پیش‌بینی حق‌هایی مشخص برای او در چارچوب یک الگوی حمایتی چندگانه است.

۱- **حمایت کیفری:** این قسم از حمایت، سنتی‌ترین و متداول‌ترین گونهٔ حمایت از بزه‌دیدگان در چارچوب سیاست جنایی تقنینی شناخته می‌شود که در ساده‌ترین شکل، نیازمند پیش‌بینی ضمانت اجرای مشخص و معمولاً کیفری است. حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جنایی حقوقی، نقش دفاع از حقوق جامعه و استقرار نظم عمومی از طریق معرفی رفتارها و کنش‌های ضداجتماعی و پیش‌بینی واکنش‌های اجتماعی علیه آن‌ها را بر عهده دارد تا بتواند به هدف عمده‌اش یعنی دستیابی به عدالت و اجرای دقیق آن نائل شود. حقوق کیفری در یک تقسیم‌بندی اولیه به حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی تقسیم می‌شود.

الف) حمایت کیفری ماهوی: مصالح اجتماعی ایجاب می‌کند که جرم‌انگاری جنبهٔ افتراقی و ویژه به خود گیرد که از آن می‌توان تحت عنوان «جرم‌انگاری حمایتی» نیز تعبیر کرد (کرامتی معز، زراعت و چاووشی، ۱۳۹۸: ۶۵). در واقع، این نوع جرم‌انگاری مبتنی بر وضعیت آسیب‌شناسانهٔ خاص بزه‌دیده یعنی همان کودک و نوجوان است؛ زیرا اولاً، این دسته از اشخاص به خاطر داشتن وضعیت یا موقعیت خاص بیش از دیگران در برابر رفتارهای مجرمانه آسیب‌پذیرند. ثانیاً، فرض بر این است که بزه‌کار انسانی آزاد و عاقل است و از روی فکر و محاسبهٔ سود و زیان حاصله از عمل ارتكابی تصمیم به ارتكاب عمل مجرمانه می‌گیرد و معمولاً زیان حاصله از ارتكاب جرم نسبت به اشخاص معلول براساس تئوری «حسابگری جزایی» ژرمن بن‌تام کمتر است و ثالثاً، معمولاً میزان شدت و خامت آثار زیانبار جرم بر روی

۱. سیاست جنایی در مفهوم موسع را می‌توان به «سیاست جنایی ماهوی» شامل بزه‌انگاری، انحراف‌انگاری و پاسخ‌گذاری و «سیاست جنایی شکلی» شامل آیین‌های رسیدگی به بزه، تعیین پاسخ به آن (پاسخ‌دهی)، تعریف مراجع پاسخ‌دهی (رسیدگی‌کننده) و سازمان‌های متولی اجرا و اعمال پاسخ به بزه و نیز پاسخ‌دهی به انحراف توسط جامعهٔ مدنی تقسیم کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ص ۵۵۷).

این دسته از اشخاص به مراتب بیش از دیگران است. از این رو، کودکان و نوجوانان شایسته و نیازمند حمایت خاص و افتراقی در زمینه بزه‌دیدگی آنلاین در کنار سایر حمایت‌ها هستند. یکی دیگر از سازوکارهای مهم حقوق کیفری ماهوی برای مبارزه با بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، «کیفرانگاری حمایتی» یا به تعبیری «پیش‌بینی کیفیات مشدده مجازات» است، به گونه‌ای که اهمیت این نوع حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر و ارتباط با آن «تئوری اقتصادی جرم» یا «نظریه پاداش و مجازات» گاری بیکر یا نظریه «حسابگری جزایی» بنام به وضوح آشکارتر از مسئله «جرمانگاری حمایتی» احساس می‌شود. موضوع کیفرانگاری حمایتی، تنها به مسئله تشدید مجازات از لحاظ نوع و میزان محدود نمی‌شود، بلکه قلمرو آن بسیار وسیع است که علاوه بر راهکار تشدید نوع و میزان مجازات، شامل ضمانت اجرای دیگر در کنار مجازات اصلی نیز می‌شود.^۱

پیش‌بینی سازوکار کیفری از نوع «کیفرانگاری حمایتی» از هر نوع آن گویای یکی از اصول اساسی حاکم بر مجازات یعنی «اصل تناسب جرم با مجازات» است. براساس این اصل، بایستی میان نوع جرم و شدت و وخامت آن و میزان خسارات وارده به منافع و مصالح عمومی ناشی از آن با مجازات یک نوع هماهنگی و تناسب وجود داشته باشد. لذا در باب لزوم حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، ضرورت‌ها و منافع اجتماعی و فردی ایجاب می‌کند کیفر مرتکبان جرائم علیه اشخاص آسیب‌پذیر در مقایسه با سایر اشخاص شدیدتر و سنگین‌تر باشد؛ زیرا در غیر این صورت باعث ترویج نوعی بی‌عدالتی در سطح جامعه و نظام عدالت کیفری خواهد شد. درباره اهمیت این مسئله گفته شده است: «ضمانت اجرای جزایی به عنوان ابزاری برای کاهش نرخ جرائم و کاهش خطر بزه‌دیدگی ناشی از آماج بالقوه به حساب می‌آیند. لذا، ضمانت اجرای شدیدتر و سنگین‌تر متضمن آماج آسیب‌پذیری کمتری هستند و چون

۱. در همه موارد، سیستم تشدید مجازات به لحاظ نوع و میزان نمی‌تواند اهداف سیاست جنایی را در زمینه پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی علیه اشخاص آسیب‌پذیر برآورده کند. از این رو، بهتر است که گونه‌های دیگری از کیفرانگاری حمایتی نیز به آن افزوده شود. از این روش اخیر می‌توان تحت عنوان «ضمانت اجرای تمیمی و تبعی» یا به تعبیر برخی «کیفرهای دنباله‌دار» یاد کرد که در نظام جزایی کشور نیز این مسئله بی‌سابقه نیست و در قوانین و مقررات و مختلف مانند مواد ۲۳ و ۲۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز این امر مورد پیش‌بینی قرار گرفته است (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۲۴-۱۲۶).

بر اساس فاکتورهایی مانند سن، جنس، موقعیت برخی گروه‌ها به عنوان آماج جذاب‌تری برای مجرمان هستند، باید به ضمانت اجرای سنجین‌تر روی آورد» (گوتل و مدینا، ۲۰۰۷: ۳۰). سیاست کیفری ایران، در قوانین متعدد به جرم‌انگاری‌های اعمال و رفتارهای ممنوعه در محیط رایانه‌ای پرداخته است که در هر کدام از آن‌ها سیاست کیفری خاصی دنبال شده است.^۲ یکی از بزه‌دیدگان خاص که در محیط رایانه‌ای بیشتر در معرض بزه‌دیدگی خاص هستند کودکان و بهره‌برداری از آن‌ها در هرزه‌نگاری است. در این راستا، مقنن ایرانی در قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز مصوب ۱۳۸۶ در تبصره ماده ۳ مقرر کرده است: «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود».

در نگاه اول، به نظر می‌رسد قانون‌گذار در صدد حمایت کیفری ویژه از کودکان در قبال هرزه‌نگاری^۳ بوده است، در صورتی که چنین نیست؛ زیرا قانون‌گذار به آثار غیرمجاز اشاره کرده است، نه آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل. بنابراین، قانون‌گذار جرائم مذکور در متن، مواد ۱ و ۲ این قانون را مدنظر داشته که جرائم نسبتاً سبکی‌اند و غالباً به نقض حق نشر مربوط می‌شوند. از سوی دیگر، هرزه‌نگاری کودکان^۴ در لایحه پیشنهادی جرائم رایانه‌ای با تأسی از کنوانسیون جرائم سایبر مورد توجه قرار گرفته بود، ولی در تصویب نهایی قانون‌گذار ایران برخلاف نظر تدوین‌کنندگان لایحه که همسو با معیارهای جهانی بود، با عدم پذیرش، به رویکرد مطلق هرزه‌نگاری رایانه‌ای مبادرت کرده‌اند. ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای که در ذیل فصل «جرائم علیه اخلاق و عفت

1. Guttel and Medina

۲. از جمله قوانین مدنظر قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶، قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ می‌باشند.
۳. واژه هرزه‌نگاری را می‌توان به نمایش گذاشتن بدن برهنه انسان یا عمل جنسی با هدف برانگیختگی جنسی تعبیر کرد. قانون‌گذار ایران در هیچ‌یک از متون قانونی، واژه «هرزه‌نگاری» را به کار نبرده است. در قانون مجازات اسلامی عبارات «جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی» و «منافی عفت عمومی» به این معنا به کار گرفته شده است (کرامتی معز و عبدالهی، ۱۳۹۵: ۳۲۶).

4. Child Pornography

عمومی» آمده است، ضمن کاهش مجازات مقرر، در قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند؛ هیچ‌گونه رویکرد افتراقی از رهگذر کیفر گذاری مشدد به دلیل کودکی بزه‌دیده اتخاذ نکرده است (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

در اسناد بین‌المللی، حمایتی خاصی در این زمینه تصویب شده‌اند که بیشتر مصوب سال ۱۹۹۹ می‌باشند و در زمینه توجه جامعه جهانی به بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی است که از جمله آن‌ها می‌توان به کنفرانس پکن (۱۹۹۹) در مورد «مبارزه با استفاده از اینترنت برای استثمار کودکان»^۱؛ کنفرانس وین (۱۹۹۹) در مورد «مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت»^۲؛ اجلاس یونسکو (۱۹۹۹) در مورد «سوءاستفاده جنسی از کودکان، هرزه‌نگاری کودکان و کودک دوستی در اینترنت» و همچنین «پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان» (۲۰۰۰) نام برد که در راستای حمایت از بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی گام‌های مثبتی برداشته‌اند.

ب) **حمایت کیفری شکلی:** در نگاه سنتی، همواره هدف از مقررات آیین دادرسی کیفری تأمین حقوق جامعه یعنی ایجاد امنیت و آرامش از رهگذر برخورد صحیح و قاطع با مجرمین، همچنین رعایت حقوق دفاعی متهم مطرح شده است. اما امروزه به نظر می‌رسد حمایت از حقوق بزه‌دیده به‌طور مستقیم در ردیف حمایت از جامعه و متهم به عنوان یکی دیگر از اهداف اصلی آیین دادرسی کیفری مطرح باشد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ج ۲، ۵۵). بر همین اساس، در ماده ۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه در کنار هم مطرح شده‌اند.

حمایت شکلی عبارت است از پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حق‌های بزه‌دیده در چارچوب قانون (به‌ویژه، آیین دادرسی جنایی) که بدین اعتبار، از آن می‌توان به «سازوکارهای آیین دادرسی مدار»^۳ نیز یاد کرد (رایجیان، ۱۳۹۸: ۶۶)؛ از جمله حمایت کیفری شکلی افتراقی

1. International Conference on Combating Child Pornography on the Internet, 1999.
2. International conference on "Combating Child Pornography on the Internet" September 29 October, 1999 in Vienna.
3. Procedural Mechanisms

در زمینه بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- نقش حمایتی سمن‌ها در حوزه بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی: یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص توجه به حقوق بزه‌دیده، محقق ساختن آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در تعقیب مجرمان است (مهمدی، ۱۳۹۲: ۲۹). با توجه به ماده ۶۶ قانون مذکور، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را به برخی از جرائم خاص یا فاقد بزه‌دیده و بزه‌دیدگان خاص به‌ویژه کودکان و نوجوانان، محدود کرده‌اند.

نهادهای مردمی حامی کودکان، در عرصه مبارزه با بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی و دفاع از حقوق این گروه آسیب‌پذیر، از جهات مختلف به نظام عدالت کیفری یاری می‌رسانند و از این رهگذر، اهداف خود را دنبال می‌کنند. از یک‌سو با اعلام و گزارش جرائم علیه کودک در جهت کشف و تعقیب جرائم کمک می‌کنند و از سوی دیگر، با نقش‌آفرینی خود در فرآیند کیفری به بزه‌دیدگان این قبیل جرائم یاری می‌رسانند. همچنین، با حساس‌سازی افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی، ایفای نقش می‌کنند. ولی با این اوصاف، به دلیل محدودیت‌های شرعی ناشی از واگذاری حق طرح شکایت و دعوی خصوصی به نهادهای مدنی مذکور، قانون‌گذار ایرانی با اتخاذ رویکردی بسیار حداقلی در زمینه شروع فرآیند تعقیب و تحقیق فقط حق اعلام جرم را به این نهادها اعطا کرده است که به نظر می‌رسد براساس ماده ۶۵ به همه شهروندان (اشخاص حقیقی) اعطا شده و قانون‌گذار دامنه اعلام جرم را به این اشخاص حقوقی البته تحت شرایط خاصی اعطا کرده است. براساس تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از شرایط اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم ارتكابی علیه کودکان، رضایت ولی با سرپرست قانونی و در صورت ارتكاب جرم توسط خود آن‌ها، رضایت قیم اتفاقی با تأیید دادستان است. این سخت‌گیری با اهداف حمایتی مربوط به کاهش رقم سیاه جرائم ارتكابی علیه کودکان و افزایش بزه‌دیدگی‌های گزارش شده در تضاد است (زینالی، ۱۳۹۳: ۵۱).

- رسیدگی در نهادهای تخصصی قضایی در حوزه فضای مجازی: نهادهای قضایی

متخصص^۱ دارای قضاوت با تجربه‌ای هستند که دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را مرتبط با پرونده‌های مربوطه طی کرده‌اند. همچنین، فرآیند رسیدگی در این نهادها نیز تحت تضمینات خاصی قرار دارند. تخصصی شدن در اسناد بین‌المللی و در مقررات داخلی مورد توجه واقع شده است. به عنوان نمونه، در کنوانسیون مریدا و به‌ویژه در مواد ۶ و ۳۶، ضرورت تشکیل مراجع تخصصی مورد تأکید واقع شده است.

توجه به ویژگی‌ها و تمایزات بزه‌های شبکه‌های اجتماعی تبیین یک رویکرد افتراقی^۲ در مقایسه با بزه‌های ارتكابی دنیای واقعی امری قابل درک می‌سازد. بررسی اختصاری ویژگی‌های جرائم فضای مجازی ما را بدین حقیقت رهنمون می‌سازد که مدل‌های ارتكاب جرم در این فضا با مدل‌های جرائم سنتی تمایزات قابل توجهی دارند (جوان جعفری، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

۱. در حوزه فضای سایبر علاوه بر نهادهای قضایی متخصص، نهادهای غیرقضایی متخصص نیز ورود کرده‌اند که می‌توان به شورای عالی فضای مجازی نام برد. این شورا در اسفند ۱۳۹۰ به دستور مقام رهبری تشکیل شد. همچنان که در حکم رهبری آمده است: «شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب اثر قانونی داده شود». اعضای شورا متشکل از اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به فضای مجازی را انجام می‌دهند. «این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد کند تا اشراف کامل و به‌روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه سطوح تحقق یابد». نکته‌ای که در اینجا باید به آن پرداخت این است که به‌موازات شورای عالی فضای مجازی، نهادهایی چون شورای عالی فناوری اطلاعات نیز وجود دارند که نسبت میان آن‌ها و قلمروی کاری آن‌ها، چندان روشن نیست. همچنین، نهادی مثل کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه خود را ملزم به در نظر گرفتن رئیس شورای عالی فضای مجازی نمی‌داند. اختلافاتی که اخیراً بر سر فیلترینگ بین دبیر کارگروه و رئیس شورای عالی مجازی مطرح شد، ناظر به این مهم است.

۲. در نگاه اولیه شاید افتراقی شدن دادرسی، اختصاصی شدن دادگاه‌ها را به ذهن متبادر می‌سازد و لذا با برجسب تعارض با حقوق و آزادی‌های بشر مواجه می‌شود. حال آنکه افتراقی شدن هم چنان که از نام آن برمی‌آید، ناظر به تشدید و تفرق و جزیره‌ای شدن آیین دادرسی است. از این رو، به اعتبار نوع جرم ارتكابی مثل تخصصی و فنی بودن یا خطرناکی آن مانند قواعد خاص رسیدگی ناظر به جرائم رایانه‌ای که باعث طرح قواعد خاص دادرسی به‌موازات فرآیند عام دادرسی خواهد شد. افتراقی شدن دادرسی کیفری به‌رغم اینکه یک ضرورت غیرقابل اجتناب برای افزایش کارایی سیاست جنایی است، می‌تواند دستاویزی برای نقض حقوق بشر و سوءاستفاده حاکمیت نیز قرار گیرد (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۲۳).

ظهور نهادهای تخصصی قضایی، یکدستی نظام قضایی را دچار تحول خواهد ساخت. ضمن اینکه خود مسائل جدیدی را پیش پای نظام قضایی خواهد گذاشت. ماده ۳۰ قانون جرائم رایانه‌ای و تبصره آن، قوه قضائیه را مکلف به تشکیل شعبی از دادسراها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر که قضاات آن آشنایی لازم در امور رایانه‌ای را دارند، برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای کرد. ماده ۶۶۶ قانون آئین دادرسی نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی نیز (با نسخ مقررات شکلی قانون جرائم رایانه‌ای) شبیه این تکلیف را برای قوه قضائیه تکرار کرده است. بنابراین، قضاات این دادگاه‌ها باید علاوه بر احاطه بر مسائل حقوقی و قضایی، دارای آشنایی کافی و لازم با حقوق فضای مجازی و سایبری نیز باشند؛ یعنی به نظر می‌رسد باید از قضاتی باشند که علاوه بر دانش حقوق، دارای تحصیلات مرتبط با علوم رایانه‌ای و فضای مجازی باشند یا آنکه در قالب دوره‌های آموزشی ضمن خدمت با این دانش آشنا شده باشند.

- هرزه‌نگاری سایبری کودکان مصدقی از صلاحیت جهانی: به موجب بند (ت) ماده ۶۶۴، قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که «جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب ایرانی یا غیر ایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود». دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی می‌یابند. در واقع قانون‌گذار، جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کم‌تر از هجده سال را موضوع اصل صلاحیت جهانی قرار داده و اجازه داده است که مرتکب آن جرم، اگرچه تبعه ایران نباشد یا اینکه جرم در خارج از قلمرو حاکمیتی دولت ارتکاب یافته باشد و در ایران یافت شود را مورد تعقیب و مجازات قرار دهد (نوریان، ۱۳۹۶: ۵۶).

این مقرر به عنوان مصدقی از صلاحیت جهانی محسوب می‌شود که بر مبنای آن صرف‌نظر از شخص یا دولتی خاص که جرم علیه او ارتکاب یافته است، همه کشورهای صلاحیت رسیدگی به آن جرم را خواهند داشت که تاکنون در فضای سایبری برخی جرائم از جمله هرزه‌نگاری کودکان به عنوان جرم بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی قرار گرفته است. بنابراین، به نظر می‌رسد دیگر جرائم ارتكابی در فضای سایبر نظیر نفوذ غیرمجاز (هک)، انتشار ویروس در برخی موارد و پولشویی الکترونیکی که به عنوان جرم جهانی مورد توجه کشورهای متعدد قرار گرفته‌اند، مشمول چنین صلاحیتی در فضای سایبر نشوند؛ زیرا که قانون‌گذار در بند (ت) از

ماده مذکور به صورت حصری از جرم هرزه‌نگاری اشخاص کمتر از هجده سال و ملحقات آن نام برده است^۱. همچنین، به نظر می‌رسد با توجه به اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه، منظور از «سوءاستفاده از اشخاص کم‌تر از هجده سال، «سوءاستفاده جنسی» و مشتقات آن از این اشخاص است (خالقی، ۱۳۹۴: ۵۴۸). در این ماده، از ملاک سن بزه‌دیده برای تعیین صلاحیت دادگاه‌های ایران سخن گفته شده است که طی آن، با استفاده از ملاک مندرج در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، منظور هجده سال تمام شمسی است و نیز اینکه سن بزه‌دیده در زمان ارتکاب جرم مورد نظر است.

- نقش پلیس فتا: نقش پلیس فتا و اهمیت آن به عنوان نهاد برقرار کننده نظم و امنیت اجتماعی و مسئول پیشگیری و کشف جرائم در جامعه مطرح می‌شود. ماهیت اصلی پلیس فتا، عملیاتی است؛ به این معنا که به صورت کاملاً تخصصی و از طریق تجهیز به منابع ارزشمند نیروی انسانی، دانشی و تجهیزاتی، نسبت به تأمین امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات با رویکرد مقابله با جرائم از طریق پیش‌بینی، پیشگیری و کشف با وضع قوانین و مقررات توأمان اقدام می‌کنند، به نحوی که با این تدبیر، فعالیت مجرمان را هم سخت کرده‌اند.

پلیس فتا با توجه به رشد فناوری و به موازات آن، افزایش بی‌رویه جرم و الکترونیکی بودن ارتکاب آن در فضای مجازی، توانسته با بهره‌گیری از آموزه‌های جرم‌شناسی، آموزش همگانی، تدابیر نظارتی و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی پلیسی در تقابل و پیشگیری از وقوع جرائم مزبور به عنوان حافظ نظم و امنیت در این حوزه نقش مؤثری داشته باشد. با این اوصاف، پلیس فتا نقش کلیدی در حمایت از کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی خواهد داشت.

۲- **حمایت اجتماعی:** در میان انواع حمایت از بزه‌دیده، حمایت اجتماعی شاید مهم‌ترین مصداق سیاست جنایی مشارکتی بزه‌دیده‌مدار باشد (خدادادی، ۱۳۹۸: ۷۱-۷۹) که پیش از هر چیز، از گذر انجمن‌های سازمان‌ها یا نهادهایی مصداق می‌یابد که به طور معمول، به ابتکار خود راه‌اندازی می‌شود.

در این گونه حمایتی، به رسمیت شناختن حالت بزه‌دیدگی آن‌ها صحبت می‌شود؛ یعنی اینکه جامعه باید غیرمشروع و غیرانسانی بودن جرائم فضای مجازی و پیامدهای منفی

۱. برای مشاهده نظر مخالف ر. ک: ابوعلی، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۲۱.

تحمیل شده به قربانیان را به رسمیت بشناسد. به عبارت دیگر، موقعیت جدید بزه‌دیدگان را به عنوان بزه‌دیده بشناسد و لذا در این راستا برای تأمین حمایت اجتماعی از بزه‌دیدگان، نهادهای مختلف اجتماعی و عمومی هم دارای وظایفی هستند^۱. شناسایی زودهنگام افرادی که قربانی شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌شوند، شرط لازم برای تشخیص قربانی به عنوان بزه‌دیده و در نهایت دسترسی به آن‌ها در جهت مساعدت، یاری و حمایت است. در صورت عدم شناسایی قربانیان، نه تنها نظام دادگری جنایی مهم‌ترین دلیل و مدرک علیه مرتکبان را از دست می‌دهد، بلکه ناکامی در شناسایی قربانیان و عدم مساعدت به آن‌ها موجب بزه‌دیدگی مکرر آن‌ها خواهد شد.

۳- **حمایت بالینی:** بزه‌دیدگانی که پس از تحمل جرم از حالت عادی خارج شده‌اند و توان جسمی، عاطفی و روانی خود را از دست داده‌اند، باید مورد بازتوانی قرار گیرند. به تعبیر دیگر، مسائلی چون ترمیم آسیب‌های جسمی، روانی و عاطفی، موضوعاتی است که می‌توان در بزه‌دیده‌شناسی بالینی مورد بررسی قرار داد. در واقع، در بزه‌دیده‌شناسی بالینی با استفاده از شیوه‌های پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی آن بعد از شناخت آسیب‌های ناشی از جرائم، درمان بزه‌دیدگان در دستور کار قرار می‌گیرد. شاخه‌های مختلف بزه‌دیده‌شناسی بالینی شامل عدالت برای بزه‌دیدگان، کمک به بزه‌دیدگان، بزه‌دیده‌شناسی علمی (تجربی) و بزه‌دیده‌شناسی بالینی است (خدادادی و افتخار، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۸). بنابراین، در بزه‌دیده‌شناسی بالینی، علاوه بر علوم جنایی و اجتماعی، نیاز به علوم پزشکی و پیراپزشکی هم لازم است. هدف عمده بزه‌دیده‌شناسی بالینی و درمانگاه بزه‌دیده، برگرداندن حالت روانی و عاطفی بزه‌دیده به شرایط قبل از تحمل جرم است (رجبی، ۱۳۸۸: ۷)؛ علی‌رغم اینکه ایجاد

۱. در حقوق ایران، قوانین مرتبط با جرائم رایانه‌ای از جمله قانون جرائم رایانه‌ای موضوع حمایت اجتماعی از بزه‌دیدگان و مصادیق آن مسکوت مانده است. با این وجود برابر بند (د) ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، قوه قضائیه مکلف شده، در کنار یک سری لوایح، لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی را تهیه و به تصویب برساند (پورقهرمانی، ۱۳۹۵: ۳۴۴). این لایحه تا سال ۱۳۹۲ در دستور کار دولت قرار داشت، اما پس از این مدت سرنوشت لایحه مذکور نامعلوم ماند. لایحه‌ای که در آن بر تشکیل صندوق حمایت از بزه‌دیدگان، پرداخت هزینه‌های درمان، بیکاری و خسارت معنوی، اعطای وام و پرداخت هزینه‌های مشاوره حقوقی یا روان‌شناسی و غیره تأکید شده بود و شاید می‌توانست به بهترین نحو ممکن از بزه‌دیدگان حمایت کند.

شاخهٔ بزه‌دیده‌شناسی بالینی^۱ به دلیل وجود مقاومت‌های متعددی با تأخیر بسیار صورت گرفته است.

کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی، اغلب خانواده‌هایی نابسامان دارند و نیاز به جانشین مناسب خانواده برای حمایت دارند. مراکز بازپروری نقش اصلی را ایفا می‌کنند. وظیفهٔ این مراکز ایجاد محیطی امن و سالم برای این افراد است؛ طوری که در عین افزایش مهارت و آموزش، آن‌ها را به فعالیت‌های ثمربخشی مشغول سازد. در واقع، قربانیان شبکه‌های اجتماعی، اشخاصی خودکم‌بین و با اعتماد به نفس کمی هستند و در خود اهمیت و قدرت لازم را نمی‌بینند؛ لذا بازسازی روحی آن‌ها به منظور تقویت خویشتن‌داری و ایجاد نشاط و تحول از بهترین اقدامات برای آن‌ها است. ایجاد ارتباطی مستمر به منظور حمایت از بزه‌دیده می‌تواند در ایجاد روحیه برای آن‌ها و اینکه در مواجهه با مشکلات احساس تنهایی نکنند.

نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی به طور مطلق نه تهدید هستند و نه فرصت، اما هم‌زمان، هم تهدید به شمار می‌روند هم فرصت؛ بستگی دارد به اینکه از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌شود. این شبکه‌ها از نظر فناوری، نقطهٔ اوج بلوغ فناوری اطلاعات به شمار می‌روند. شبکه‌های اجتماعی بر قلّهٔ فناوری اطلاعات و فضای سایبر ایستاده‌اند و دست‌کم تا دو دههٔ آینده بدیلی برای آن‌ها، از نظر فناوری نباید قائل بود. ممکن است سایت‌های شبکه‌های اجتماعی یا انواع آن‌ها تغییر کند، اما کارکرد و فرآیند و مکانیسم عمل آن‌ها همچنان ثابت باقی خواهد ماند. اگر نگاه سلبی به این شبکه‌ها در جامعه‌ای حاکم شود، نتیجه‌اش فیلترینگ و پالایش خواهد بود و حاصل آن نادیده انگاشتن فرصت‌های ایجاد شده توسط آن‌هاست. اما اگر نگاه ایجابی به این شبکه‌ها در جامعه حاکم شود، نتیجه‌اش تدابیر ایجابی و فرصت تلقی کردن آن‌ها و استفاده از ظرفیت‌های این شبکه‌ها در امور مختلف علمی و آموزشی و تربیتی خواهد بود.

متأسفانه به دلیل نادیده گرفتن موضوع شبکه‌های اجتماعی در ایران، هیچ آموزشی دربارهٔ

۱. شاخهٔ بزه‌دیده‌شناسی بالینی الهام گرفته از شاخهٔ جرم‌شناسی بالینی است. برای اطلاعات بیشتر در زمینهٔ جرم‌شناسی بالینی ر. ک: بابایی، محمدعلی (۱۳۹۸). جرم‌شناسی بالینی. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ سوم.

مضرات، عواقب یا خطرهای استفاده از آن‌ها نیز در نظام آموزشی به دانش‌آموزان ما داده نمی‌شود. بنابراین، کاربران کودک این شبکه‌ها در ایران بی‌محابا و بی‌باکانه اطلاعاتی را در آن‌ها منتشر می‌کنند که معمولاً در کشورهای دیگر کاربران آن‌ها را منتشر نمی‌کنند. نظام آموزش ما به‌شدت از روند رشد سریع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی عقب مانده است. در حالی که حتی کودکان دبستانی ما نیز با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای آشنا هستند. از این‌رو، باید در شبکه‌های اجتماعی به کودکان حقوقشان را متذکر شد و حمایت‌های افتراقی از کودکان بزه‌دیده در سیاست جنایی تقنینی پیش‌بینی کرد. با بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی و با لحاظ گونه‌شناسی حمایت‌ها، مشخص می‌شود که سیاست جنایی ایران در قبال حمایت از کودکان بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی افتراقی نبوده و یکسری حمایت‌های عام بدون در نظر گرفتن شرایط خاص این نوع بزه‌دیدگی در نظر گرفته شده است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که:

- الزام قانونی به محافظت محتوایی و امنیتی از کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی؛
- تعیین حداقل سن مجازی کودکان برای عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی؛
- ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی تخصصی ویژه کودکان؛
- برنامه‌ریزی برای دسترسی سطح‌بندی شده به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تفکیک کاربران کودک از بزرگسال از نظر سطح دسترسی و اعمال فیلترینگ هوشمند بر مبنای آن.

منابع

- ابوعلی، امیر (۱۳۹۲). صلاحیت محاکم در جرائم سایبری. تهران: انتشارات جنگل. چاپ اول.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱). گفتارهایی در حقوق رسانه. جلد دوم. تهران: مؤسسه نشر شهر. چاپ اول.
- اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۹). حقوق فناوری اطلاعات. تهران: انتشارات میزان با همکاری فناوری اطلاعات ریاست جمهوری. چاپ دوم.
- بابایی، محمدعلی (۱۳۹۸). جرم‌شناسی بالینی. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ سوم.
- بای، حسینعلی و بابک پورقهرمانی (۱۳۸۸). بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی. فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی. سال ششم. شماره ۲۳.
- بهرامی فریادرس، افشین (۱۳۹۲). نقش شبکه‌های اجتماعی در ترویج حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده حقوق.
- پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶). افتراقی شدن دادرسی کیفری. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول.
- پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۵). سیاست جنایی ایران در قبال جرائم رایانه‌ای؛ مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش). چاپ اول.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۱). اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران. علوم جنایی؛ مجموعه مقالات (در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). تهران: انتشارات سمت. چاپ پنجم.
- جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۹). جرائم سایبر و رویکرد افتراقی حقوق کیفری (با نگاهی به قانون مجازات اسلامی بخش جرائم رایانه‌ای). مجله علمی پژوهشی دانش و توسعه. سال هفدهم، شماره ۳۴.
- خالقی، علی (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش). چاپ پنجم.
- خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۸). پیشگیری بزه‌دیده مدار. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول.

- خدادادی، ابوالقاسم و افتخار، مریم (۱۳۹۵). بازتوانی بزه‌دیده در پرتو بزه‌دیده‌شناسی بالینی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. دوره ۵، شماره ۱۷.
- شکری، رضا (۱۳۹۸). حریم خصوصی ارتباطات در فضای الکترونیکی از منظر حقوق کیفری ایران و انگلستان. فصلنامه حقوق و فناوری اطلاعات. سال اول، شماره اول.
- شهریاری، حمید (۱۳۸۸). اخلاق رایانه؛ تاریخچه و کلیات. فصلنامه پژوهشنامه اخلاق. شماره ۴.
- شیری، عباس (۱۳۹۵). رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده در مرحله دادرسی. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی). (کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی) تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). بزه‌دیده‌شناسی. جلد اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی. چاپ دوم.
- رحیمی، جلال و اسفندیاری مقدم، علیرضا (۱۳۹۰). رویکردی شناختی به تنگنای اخلاقی ناشی از انقلاب فناوری اطلاعات؛ برخی ملاحظات و راهکارها. فصلنامه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. دوره ۲۷، شماره ۲.
- رجیبی، ابراهیم (۱۳۸۸). درمانگاه بزه‌دیده و بزه‌دیدگی و نقش پلیس در آن. فصلنامه دانش انتظامی. سال دوازدهم، شماره اول.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۴). جهانی‌شدن حقوق کیفری (در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه‌دیدگی). تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۳). سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده (حق بر شکایت کودک). فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی. سال اول، شماره سوم.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ سوم.
- غمامی، سید محمد مهدی و علی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۸). نقش شبکه‌های اجتماعی در تضييع حقوق کودکان. فصلنامه حقوق و فناوری اطلاعات. سال اول، شماره اول.

- کرامتی معز، هادی؛ میرخلیلی، سید محمود؛ عالی‌پور، حسن و شیدائیان، مهدی (۱۳۹۸). پیوند گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و بزه‌دیدگی نوجوانان (مطالعه موردی: دانش آموزان بین ۱۲ تا ۱۵ سال منطقه پنج شهر تهران). *فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل*. دوره ۱۲، شماره ۴۵.
- کرامتی معز، هادی و عبدالهی، معاذ (۱۳۹۸). چالش‌های فقهی و حقوقی قصاص مرد در برابر زن در رویارویی با کرامت انسانی. *دوفصلنامه مطالعات فقه و اصول*. دوره ۵، شماره ۱.
- کرامتی معز، هادی؛ زراعت، عباس و چاووشی، محمدصادق (۱۳۹۸). سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرائم ارتكابی علیه ناتوانان و حمایت‌های کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی از آن‌ها. *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی*. سال بیستم، شماره اول.
- کرامتی معز، هادی و عبدالهی، سامان (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناسی جنایی علل و پیامدهای هرزه‌نگاری در شبکه‌های اجتماعی مجازی و راهکارهای پیشگیری اجتماعی از آن. *فصلنامه علوم اجتماعی*. سال دهم، شماره ۴.
- مهمدی، گلشن (۱۳۹۲). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه کاشان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸). سیاست جنایی؛ دانشنامه علوم جنایی اقتصادی (زیر نظر امیرحسن نیازپور). تهران: انتشارات میزان. چاپ دوم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). جرم‌شناسی و عدالت کیفری کودکان و نوجوانان (دیباچه در: دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان؛ دیدگاه‌ها، مدل‌ها و گرایش‌های بین‌المللی، به کوشش تهمورث بشیریه). تهران: نشر نگاه معاصر. چاپ اول.
- نوریان، علیرضا (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری جرائم رایانه‌ای و مخابراتی. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول.
- هدایت، هدیه (۱۳۹۵). آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده؛ مطالعه تطبیقی: اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول.

منابع انگلیسی

- Guttel. Ehud and Medina, Barak (2007). Less crime, more (vulnerable) victims: Game Theory and the Distributional Effects of criminal sanctions, Review of law and Economics, Number 3&2, This Article were Presented at the European Law & Economics Association Annual Meeting.
- Tartari, Elda (2015). Benefits and risks of children and adolescents using social media, European Scientific Journal May, vol. 11, No13.